



حقوق بشر و مساله پوشش قانونی

سید محمد رضا مرندی^۱، فاطمه وجدانی^۲

چکیده

برخی معتقدند که پوشش امری شخصی و مربوط به حوزه خصوصی زندگی انسان است؛ لذا هیچ کس از جمله دولت ها حق مداخله در آن را ندارند. برخی دیگر مقوله پوشش را صرفا امری عمومی می دانند که دخالت در آن، یکی از وظایف دولت هاست. هدف این پژوهش پاسخ به این سوال است که آیا پوشش افراد امری شخصی و مربوط به حوزه خصوصی زندگی آنهاست یا این که امری عمومی و مرتبط با دولت و دیگر افراد جامعه است؟ بر اساس یافته های این پژوهش، پوشش افراد، حیثیتی دوگانه دارد؛ در حوزه خصوصی، خصوصی و در حوزه عمومی، عمومی است. این امر با توجه به آثار و نتایج عینی عدم رعایت پوشش فرد بر دیگر افراد جامعه و حقوقی که از سایرین تضییع می شود و با عنایت به اصل رجحان مصالح جمعی بر منافع افراد در حریم عمومی، توجیه می شود. بنابراین، الزام قانونی به رعایت پوشش در حریم عمومی، نقض حق آزادی افراد (نقض حقوق بشر) نیست. از سوی دیگر، از آنجایی که پوشش را "فرد" به تن می کند، پس این گونه نیست که در آن، حقی نداشته باشد؛ لذا افراد در حریم خصوصی شان حق دارند که طبق خواست خود، پوشش داشته باشند و دولت ها از جمله دولت اسلامی نیز حق دخالت در این امر را ندارند؛ اما در حریم عمومی، خواست و سلیق افراد، فقط در محدوده قوانین و هنجارهای عمومی به رسمیت شناخته می شود. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع آوری داده ها کتابخانه ای است.

کلیدواژه‌ها: پوشش قانونی، حریم خصوصی، حریم عمومی، حریم دوگانه، آزادی، حقوق

بشر

DOR:20.1001.1.23225645.1403.13.1.2.3

دوره ۱۴، شماره ۱،
پیاپی ۳۶ بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۱۰-۱۸
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳-۱۲-۲۶
صص: ۵۵-۳۳

شاپا: ۵۶۴۵-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

پژوهشی فصلت گونه‌های بشر
JOURNALS.MSRT.IR

۱. استادیار گروه فقه سیاسی دانشکده الهیات و ادیان. دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

marandi@sbu.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

مسأله پوشش از جمله مسائل مطرح در همه جوامع بشری در همه ادوار بوده است. شواهد تاریخی از وجود تقید به پوشش بیشتر در جوامع سنتی و وجود حساسیت مضاعف نسبت به آن در میان زنان آن جوامع، حکایت می‌کند (ضیاءپور، ۱۳۴۳: ۵۴). در مورد ایران باستان نیز، از چادر به عنوان پوشش زنان ایرانی یاد می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان ایران‌زمین از زمان مادها که نخستین ساکنان این دیار بوده‌اند، دارای پوشش کاملی شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار تا مچ پا و چادر و شنلی بلند بر روی لباس‌ها بوده‌اند. (همان: ۱۷ و ۲۶). این پوشش در دوران سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز معمول بوده است. بنابراین در زمان بعثت زرتشت و قبل و بعد از آن، زنان ایرانی پوششی کامل داشته‌اند. همچنین، با توجه به پند و اندرزهای زرتشت، تلاش وی برای تعالی و آموزش مبانی پوشش و بیان لزوم توأم کردن پوشش ظاهری با عفت باطنی، روشن‌تر می‌شود. در دین یهود، احکام خاصی برای پوشش زنان آمده (عهد عتیق، مدرک، باب سوم، فقره ۱۵ و کتاب سرود سلیمان، باب ۴، فقره ۱) و در مسیحیت نیز این پوشش به زنان راهبه و کلیسا محدود شده است. در اسلام نیز احکام متعددی در خصوص پوشش افراد به خصوص زنان در قرآن و روایات آمده و اصطلاح حجاب به طور ویژه برای پوشش زنان به کار رفته است (آیات ۳۰ و ۳۱ نور و ۵۹ سوره حجرات).

تعلق پوشش به حریم خصوصی یا عمومی مورد مناقشه است و اختلاف نظرها و ابهامات زیادی در این مورد وجود دارد. برخی پوشش را امری شخصی و متعلق به حریم خصوصی می‌دانند که دیگر افراد و دولت‌ها حق دخالت در آن را ندارند. اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند که پوشش متعلق به حریم عمومی است و دولت‌ها نه تنها حق، بلکه وظیفه دخالت دارند. هدف از انجام این پژوهش بررسی تعلق پوشش افراد به حریم خصوصی یا عمومی است که قاعدتاً در صورت اثبات عمومی بودن، قانونگذاری در آن الزامی می‌شود. از مطالعه و بررسی آثاری که در زمینه مباحث حقوقی پوشش نگاشته شده است، این گونه برداشت می‌شود که یک دسته از آنها پوشش را امری صرفاً خصوصی و دسته دیگر، امری صرفاً عمومی می‌دانند. نوآوری این پژوهش این است که در پی اثبات هر دو بعد عمومی و خصوصی در پوشش است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

تعریف مفاهیم پژوهش

پیش از پرداختن به موضوع اصلی پژوهش، ابتدا به تعریف مفاهیم اصلی پژوهش می‌پردازیم. پوشش- پوشش در لغت به معنی: عمل پوشیدن، جامه، لباس، ستر، ساتر، حجاب، پوست، اشکوبه و سقف خانه است (معین، ۱۳۸۸: ۲۹۰).

حجاب- حجاب در لغت به معنای پوشش، پرده و ستر آمده است (جوهری، ۱۹۸۷، ۱: ۱۰۷). هم چنین، در معنی نقابی که زنان چهره خود را بدان بپوشانند و چادری که زنان سر تا پای خود را بدان بپوشانند نیز آمده است (معین، ۱۳۷۱، ۱: ۱۳۴۰). البته استعمال تعبیر "حجاب" برای پوشش زنان، امری متأخر است؛ در گذشته، فقها و عموم مردم از عبارت "ستر" در مورد پوشش استفاده می کردند؛ این عبارت با فتحه به معنای پوشاننده است (جوهری، ۱۹۸۷، ۲: ۶۷۶). مقصود ما از «حجاب» در اینجا همان پوشش زنان مطابق احکام شرعی اسلام است که ضرورت آن از برخی آیات قرآن استنباط می شود^۱ و یکی از ضروریات فقهی اسلام است.^۲

قانون - قانون، قاعده ای است که مقامات صلاحیت دار (قوه مقننه) وضع و ابلاغ کنند و همه افراد مملکت باید از آن تبعیت کنند (معین ۱۳۷۱: ۹۴۵). بنابراین، پوشش قانونی به پوششی گفته می شود که مطابق قانون یک کشور، افراد آن جامعه ملزم به رعایت آن باشند؛ از این نوع الزام، بعضاً تحت عنوان «پوشش اجباری» نیز یاد می شود. لازم به ذکر است که میان حریم عمومی و قانون، رابطه وجود دارد؛ به عبارت دیگر، حوزه ای که در آن، قانون معنا پیدا می کند، حریم عمومی است؛ لذا می توان گفت که میان قانونی بودن یک امر و عمومی بودن آن رابطه وجود دارد؛ یعنی هر امری که عمومی باشد، قطعاً قانونی نیز هست.

حقوق بشر- دو معنای متفاوت از "حق" که در این بحث بیشتر به کار می آید، یکی به معنای «حقیقت داشتن» و «درست بودن»؛ که جمع آن «حقایق» است و در نقطه مقابل آن، «باطل» و «خطا» قرار می گیرد؛ و دیگری، به معنای «بهره»، «سزاواری» و «تملك» است که جمع آن «حقوق» می باشد و در نقطه مقابل آن، «غصب» و «تکلیف» قرار دارد (معین، ۱۳۷۵: ۱۳۶۳). منظور از این حق، «امتیاز و نصیب بالقوه ای است که برای شخص در نظر گرفته شده و بر اساس آن، او اجازه و اختیار ایجاد چیزی را دارد یا آثاری از عمل او رفع می شود و یا اولییتی برای او در قبال دیگران در نظر گرفته می شود و به موجب این حق برای او، دیگران موظفند این شئون را برای او محترم بشمارند و آثار تصرف او را بپذیرند. تکلیف در مقابل حق، چیزی است که برعهده فرد و به نفع دیگران است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲). "حق" امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۷۴).

^۱ مانند: آیات ۳۰ و ۳۱ نور و آیه ۵۹ سوره احزاب

^۲ ر.ک. به: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۷: ۴۶؛ ابن حزم اندلسی، ۱۳۵۲: ۱۰: ۳۲، طباطبائی یزدی، ۱۳۹۹: ۵: ۴۹۴-۴۹۵؛ الجزیری، ۱۹۸۶، ۱: ۱۹۱-۱۹۲؛ الریحلی، ۱۴۰۴: ۷: ۳۳۶، منتظری، ۱۳۸۱: ۴۵۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ۲: ۳۴۹؛ سیستانی، بی تا: ۴۱۴

این تفکیک میان دو معنی "حق" را برخی از صاحب نظران تحت عنوان: تفاوت میان مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» بیان کرده اند (جوان آراسته، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۲). در زبان انگلیسی نیز این دو معنی متفاوت حق در عباراتی همچون "to have right" به معنی «حق داشتن» و "to be right" به معنی «حق بودن» به کار می‌رود. آنچه در بحث حقوق بشر^۱ مطرح است، با معنای دوم حق یعنی سزاواری، مالکیت و بهره مندی سازگار است. به عبارت دیگر، حقوق بشر یعنی بهره مندی ها و سزاواری های بشر.

"حقوق بشر" اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق و امتیازاتی است که هر فرد به‌طور ذاتی، فطری و طبیعی، به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود (Donnelly, 2013). به عبارت دیگر، هر انسانی بر روی زمین، صرف نظر از سن، قومیت، ملیت، ایدئولوژی، گرایش، جنس یا عقیده به طور مساوی از آن بهره‌مند است. حقوق بشر را به حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم‌بندی می‌کنند. حق برخورداری از سلامتی، حق نظم و امنیت اجتماعی و حق مشارکت فرهنگی در جامعه از جمله این حقوق هستند.

حریم خصوصی و عمومی - مصونیت "حریم خصوصی" را از مهم‌ترین حقوق انسانی می‌دانند که بدون رعایت آن از سوی دیگران، آسایش روحی و روانی انسان‌ها تحقق نخواهد یافت (اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۶). "حریم"، در جایی به کار می‌رود که ممنوعیت یا حرمتی وجود دارد. گوهر معنای حریم "منع" است. (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق، ۲: ۴۵؛ جوهری، ۱۹۸۷ م، ۵: ۱۸۹۶؛ زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ۱۶: ۱۳۶). در اصطلاح، حریم، جان و مال و آبرو و اهل و عیال آدمی را شامل می‌شود (اسکندری، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۰). "خصوصی" نیز در مقابل "عمومی"، "ویژه" و "اختصاصی" است (دهخدا، ۱۳۷۳ ش؛ ماده خصوص و خصوصی؛ فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ذیل ماده خصوصی؛ طریحی، ۱۴۱۴ ق، ذیل ماده "خصص") و چیزی است که انسان می‌خواهد پنهان و غیر قابل دسترس برای دیگران بماند یا آن چیزی است که تصمیم‌گیری درباره آن مستقلاً به عهده خود انسان می‌باشد (کدیور، ۱۳۸۷: ۴۷؛ کدیور، ۱۳۸۲).

تعریف "حریم خصوصی" و حدود آن در هر کشوری با فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و به ویژه نظام سیاسی حاکم ارتباط دارد؛ ممکن است برخی از مصادیق، در برخی از کشورها، داخل مفهوم حریم خصوصی بوده و در کشوری دیگر، چنین نباشد (متوادی، ۱۳۹۷). با این حال، حقوقدانان در این که قلمرو آن شامل: جان، مال، ناموس، حیثیت انسان‌ها و مسائلی از قبیل مسکن، محل کار، اطلاعات شخصی، ارتباطات، و رفت و آمد انسان می‌شود، تقریباً اتفاق نظر دارند. گرچه ممکن است در کم و کیف هر یک از موارد یاد شده اختلاف نظر داشته باشند (اسکندری، ۱۳۹۰: ۲۵). می‌توان گفت "حریم خصوصی" محدوده معقولی است که فرد انتظار

¹ Human Rights

² Private Domain

دارد از دسترس "دیگری" (اعم از دولت یا سایر اشخاص حقیقی و حقوقی) مصون بماند (فتوحی و شاهمرادی، ۱۳۹۶). نیسبام اصطلاح "حق خلوت" را برای حریم خصوصی به کار برده و می گوید حق خلوت آدمیان متضمن یک پناهگاه امن یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن از بازرسی دقیق و موشکافانه، نكوهش (نیسبام، ۱۳۸۱) و کیفر حقوقی آزاد و مصون هستند. حوزه عمومی نیز، حوزه ای از زندگی انسان است که محدوده دخالت و اقتدار قدرت سیاسی - بر اساس قانون- است (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۴). از آنجایی که در لیبرالیسم، حکومت در کنار حفاظت از آزادی های فردی، وظیفه تامین خیر و منفعت عمومی، نظم و تامین بیشترین امکانات و رفاه برای همه شهروندان را بر عهده دارد (Rodee, 1957: 109) حوزه عمومی مطرح شده است.

آزادی - آزادی^۱ در اصطلاح حقوقی، عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد می توانند استعدادها و توانایی های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند (هاشمی، ۱۳۸۶: ۲۰۸). آزادی یعنی فقدان کنترل بیرونی و رهایی از هر قیدی به جز آن چه قانون مقرر کرده است (آقایی، ۱۳۸۷: ۷۹۴-۷۹۵). آزادی حاصل باور به فرد و تمایل به تضمین این نکته است که همه بتوانند هر جور که دوست دارند یا بر می گزینند، عمل کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۶۷).

گرچه به لحاظ حقوقی لزوم آزادی مورد اتفاق همه هست، اما آزادی مطلق در هیچ اجتماعی وجود ندارد و اساسا وجود اجتماع با آزادی مطلق قابل جمع نیست. بنابراین، هر جا صحبت از آزادی می شود، منظور، آزادی نسبی است (طباطبایی، ۱۳۳۹). آزادی ممکن است توسط قانون، دین، اخلاق، ارزش های سیاسی- اجتماعی، آداب و رسوم و نظایر اینها محدود و مقید شود. لیبرال ها از "آزادی مبتنی بر قانون" جانبداری می کنند و افراد باید از بیش ترین آزادی ممکن که سازگار با آزادی مشابهی برای دیگران است، برخوردار باشند (هیوود، ۱۳۸۹: ۶۷).

فردگرایی- در فردگرایی^۲ حق آزادی انتخاب افراد، مقدم بر هر حق دیگری است. از جمله لوازم پذیرش اصل فردگرایی در لیبرالیسم، اعتقاد به نفی قیومت است. بدین معنی که هیچ کس نمی تواند بر کس دیگری نیست و حق ندارد برای او تصمیم بگیرد. فردگرایان بر این نظر هستند که در مقابل اصالت حق انتخاب فردی، هر حق دیگری فرع محسوب می شود و این حق (انتخاب)، نباید به هیچ وجه مورد خدشه قرار بگیرد. در مقابل، طبق نظر جامعه گرایان^۳، دولت به عنوان نماینده ی جامعه، حق دارد که برای حفظ منافع جمعی، آزادی های فردی را محدود کند.

بر اساس فردگرایی، انسان ها به طور طبیعی علاقه مند به منافع شخصی هستند و نفع جویبی شخصی اساسی ترین انگیزه عمل آنها محسوب می شود (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱۵). به علاوه، بابت

¹ Freedom or Liberty

² Individualism

³ Collectivists/ Socialists

استعدادها و مهارت های خود احساس دینی در برابر جامعه ندارند (هیوود، ۱۳۸۹: ۲۷۸). بر این اساس، انسان می تواند با نیروی خرد و منطق خود، نفع و مصلحت خود را تشخیص دهد (کوهن، ۱۳۷۳) و نیازی ندارد که دیگران از جمله دولت در تصمیم گیری های او دخالت کنند. لذا باید افراد را در تصمیم گیری های خود برای به حداکثر رساندن مطلوبیت مد نظرشان، تنها گذاشت و دولت نباید تصمیم هایی را در این زمینه بر آنها تحمیل کند (Chau, 2009). برعکس، دولت، حافظ حقوق طبیعی افراد از جمله حق مالکیت است (ر.ک. لاک، ۱۳۸۷). باور به آزادی منفی به معنای عدم مداخله، یا نبودن موانع بیرونی برای فرد، دیدگاه اتمیستی^۱ جامعه را شکل می دهد (همان: ۷۰). در این دیدگاه، این خود فرد است که هم سرچشمه حقوق خود و هم غایت همه نهادهای سیاسی و اجتماعی است (بوردو، ۱۳۷۸: ۴۹).

فردگرایی لیبرالی، هم هستی شناختی و هم اخلاقی است. فردگرایی هستی شناختی، مبنای فلسفی لازم را برای فردگرایی اخلاقی و سیاسی به وجود می آورد. این مفهوم، اولاً، فرد را واقعی تر یا بنیادی تر و مقدم بر جامعه و نهادها و ساختارهای آن تلقی می کند و ثانیاً، در مقابل جامعه یا هر گروه جمعی دیگر، برای فرد، ارزش اخلاقی والاتری قائل است و حقوق و خواست های او را به لحاظ اخلاقی، مقدم بر حقوق و خواست های جامعه قرار می دهد (آریابلاستر، ۱۳۸۶: ۲۰ و ۱۹). البته در تفکر لیبرالی مشکل اصلی در عدم اعتقاد به وجود حقیقی جامعه نیست؛ بلکه مشکل اینجاست که لیبرالیسم محدود کردن آزادی های فردی را توسط دولت یا هر مرکز متمرکز اجتماعی دیگر موجب تضعیف فرد و تحدید آزادی عمل او می داند. بر این اساس، لیبرال ها از یک سو، حریم خصوصی را طوری تعریف می کنند که سود و لذت فرد بهتر تامین شود و مداخله دولت بر امور و شئون اجتماعی کاملاً محدود شود. ثانیاً، آنها غایت زندگی اجتماعی را سعادت فرد می دانند. و مصداق بارز سعادت را دستیابی به سود اقتصادی و در نتیجه، رفاه و لذت مادی می دانند. به اعتقاد آنها سودجویی فرد، تامین سود کلی جامعه را به دنبال خواهد داشت؛ چون تلاشی که انسان برای نفع شخصی خود به خرج می دهد، ناگزیر او را به سوی انجام کارهایی می راند که برای اجتماع سودمندترین است (بوردو، ۱۳۷۸: ۹۸). بر این اساس، بارزترین مصداق حریم خصوصی از دید آنان، مسائل مالی و اقتصادی است که فرد در پنهان نگه داشتن آن بسیار کوشاست و دسترسی دیگران به آن، امری منکر تلقی می شود. در متون اسلامی هم، اصل عقلی «عدم ولایت» یکی از اصول اولیه عقلی در کلام، فقه و حقوق اسلامی است؛ به این معنی که به جهت حکم عقل محض، هیچ کس بر کس دیگری ولایت و قیمومیت ندارد و هیچ کس، قیم کس دیگری نیست و هر کس حق دارد خودش برای خود تصمیم بگیرد (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۱۸). لیبرالیسم نیز با همه اعتقادی که به فردگرایی

^۱ Atomism این باور است که جامعه از جمع افراد عمدتاً خودبسنده ای تشکیل شده است که چیزی یا چندان چیزی به یکدیگر بدهکار نیستند.

دارد، در عین حال، اهمیت نقش های متقابل جمعی را رد نمی کند و مکانیسم های اجتماعی و تاثیر گروه بر رفتارهای فردی را نادیده نمی انگارد (بوردو، ۱۳۷۸: ۹۶).

تاثیر فرهنگ و ارزش های جوامع بر حد حریم خصوصی

لیبرالیسم، عمدتاً لذت و سود مادی را مد نظر دارد؛ از این روست که این دو باید محافظت شوند و از تعدی مصون بمانند. لذا یکی از وظایف دولت لیبرالی (حداقلی)، برقراری نظم و امنیت و تضمین اجرای قراردادها و حفظ دارایی ها در برابر تعدی شهروندان دیگر می باشد. هیوود، ۱۳۹۴، صص ۷۰-۶۹). اما اسلام که به دنبال لذات برتر و پایدارتر است، لذت های روحانی و معنوی را اصل می داند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۲) و بر این اساس، نظام ارزش ها و ملاک مصالح و مفاسد، متفاوت خواهد بود. در چنین فضایی برنامه های دینی مصالح انسان را -چه در دنیا و چه در آخرت- به بهترین شکل تامین می کنند. بدین ترتیب، محدوده حریم خصوصی و عمومی بسته به فرهنگ و خصوصیات جوامع متفاوت است؛ و با عنایت به تفاوت محدوده آزادی در لیبرالیسم و اسلام، محدوده حریم خصوصی را در غرب، عرف و قانون (تشخیص و سلیقه و خواست افراد) تعیین می کند و در اسلام، شرع و عرف و قانون. به عبارت دقیق تر، در جامعه ای که مبتنی بر ارزش ها و فرهنگ اسلامی است، قانون تحت تاثیر شرع است و عرف نیز، علاوه بر عرف عام، شامل عرف خاص (متشرعه) می شود. نتیجه آنکه، حریم خصوصی در نگاه فردگرایانه و لذت گرایانه غربی وسعت زیادی می یابد؛ به گونه ای که گاهی ممکن است رویدادی در جامعه غربی جزء حریم خصوصی محسوب شود؛ اما با جهان بینی اسلامی، همان رویداد جزء حریم عمومی تلقی شود.

خصوصی یا عمومی بودن پوشش

بر اساس نکات مذکور، این سوال مطرح می شود که آیا بر اساس مبانی حقوقی و علمی، پوشش انسان امری شخصی و مربوط به حریم خصوصی اوست و یا به حوزه عمومی مربوط می شود؟ در این خصوص، دو نظریه اصلی مطرح است:

برخی از اندیشه ورزان لیبرال پوشش را مربوط به حوزه خصوصی می دانند و معتقدند که حکومت نباید در آن حوزه دخالت نماید؛ برخی با پذیرش این نکته، با الزام حکومتی حکم پوشش مخالفت کرده اند (مهدوی زادگان، ۱۳۸۶). این آزادی، تحت عنوان "آزادی تن" یاد می شود. برخی گفته اند که حجاب (پوشش شرعی زنان در اسلام) گرچه از ضروریات دین است، اما واجبی است فردی، که تک تک مسلمانان موظف به رعایت آن هستند؛ و چون موضوعی شخصی است، حکومت حق مداخله در آن را در قالب جعل قوانین محدود کننده و ایجاد ضمانت های اجرایی، از جمله اعمال تعزیرات ندارد (محقق داماد، ۱۳۸۰؛ ایازی، ۱۳۸۷). در مقابل، برخی دیگر، پوشش را متعلق به حریم عمومی می دانند و معتقدند که نوع پوشش افراد، امری است که حتماً باید با هنجارها و قوانین در یک جامعه هماهنگ باشد و افراد

حق ندارند که در حوزه عمومی هر پوششی را برای خود انتخاب کنند. این از آن روست که ابعاد پوشش، منحصر به گستره فردی نیست و آثار اجتماعی متعددی دارد (زهروی، ۱۳۹۹). به عنوان نمونه، اجتماعی دانستن پوشش و رعایت آن در جامعه آثاری چون: آرامش روانی شهروندان جامعه (اعم از مرد و زن)، استحکام پیوند خانواده ها، استواری اجتماع و مصونیت آن از حاکمیت فضای جنسی و... در پی دارد (غلامی، ۱۳۹۲). اینها حقوق اجتماع هستند و یکی از وظایف دولت ها نیز، احیای حقوق اجتماع است.

اما از نگاه ما (که تصور می کنیم مطابق با مبانی و آموزه های اسلامی هم باشد) پوشش، حیثیت دوگانه ای دارد و به طور مشترک، هم متعلق به حریم خصوصی و هم متعلق به حریم عمومی است؛ به این معنی که در حوزه خصوصی، امری خصوصی و در حوزه عمومی، امری عمومی است. زمانی که فرد، در منزل خود حضور دارد، این که در منزل خود (در مقابل محارم و یا حتی غیر محارم خود) چه لباسی به تن کند، به خود او و به آنانی که در این حریم خصوصی هستند، مربوط می شود و دولت (اعم از اسلامی و غیر اسلامی) هیچ وظیفه و حقی برای دخالت در این امر ندارد. اما همین که فرد، وارد جامعه و حوزه عمومی شد، موظف است که قوانین و هنجارهای آن جامعه را در پوشش رعایت کند و در غیر این صورت، دولت، موظف به مداخله است؛ چرا که عدم رعایت پوشش در جامعه، آثار و نتایجی واقعی بر جای می گذارد و حقوقی را از سایرین تضییع می کند. تحقیقات نشان داده است که پوشش مناسب، علاوه بر اینکه در افزایش احساس آرامش و امنیت خود زنان در برابر خشونت و آزار تاثیر دارد (فاضلیان، ۱۳۸۹؛ عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱؛ چولکی، ۱۳۹۲؛ مجدی و همکاران، ۱۳۹۵؛ فتحی و نامور، ۱۳۹۶؛ Kamla, 2012؛ Swami, et al., 2014)، منجر به حفظ آرامش و بهداشت روانی مردان، امنیت ارتباطی و امنیت خانواده و هم چنین، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی و سلامت جامعه می شود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱؛ منطقی، ۱۳۹۵؛ اولادی و همکاران، ۱۳۹۸). در همین راستا باید توجه داشت که در مواقع تعارض حقوق فردی و اجتماعی، مصالح جمعی بر مصالح فردی رجحان دارد (مهدوی زادگان، ۱۳۸۶). پرنس^۱ رویدادهایی را مربوط به حیطه حق خلوت (یا حریم خصوصی) می داند که هم شخصی باشند؛ هم در محل ها و قلمرو عمومی ارائه و آشکار نشده باشند و هم، عاری از هرگونه تناقض آشکار با مصالح اشخاص دیگر یا جامعه باشند (Parent, 1983: 271). شاهد این مدعا ضوابط پوشش در همه کشورهای دنیاست. بدین معنی که در هیچ کشوری آزادی مطلق پوشش، به رسمیت شناخته نشده است و در همه کشورها حدی از پوشش وجود دارد.

در این زمینه می توان به دیدگاه «جان استوارت میل»^۲، متفکر لیبرال قرن نوزده میلادی نیز

¹ Parent

² John Stuart Mill (1806-1873)

اشاره کرد که حد آزادی را «آسیب به دیگران» می‌داند و می‌گوید: «تنها دلیلی که به خاطر آن، قدرت می‌تواند به طرز مشروعی بر هر کدام از اعضای جامعه متمدن و اراده فرد اعمال شود، این است که مانع زیان رساندن به دیگران شود» (Mill, 1981)؛ و با توجه به پیامدهای بد پوششی (آسیب به امنیت، سلامت و حقوق سایر اعضای جامعه)، فرد نمی‌تواند در انتخاب پوشش خود کاملاً آزاد باشد و به دلخواه خود عمل کند.

از سوی دیگر، تأمل در مولفه‌هایی که در تعریف حریم خصوصی به کار رفته نیز، نکاتی را در همین زمینه آشکار می‌سازد. اساساً، در تعاریف حریم خصوصی مولفه "خلوت و تنهایی" نقش مهمی ایفا می‌کند و از این منظر، حدود و نوع پوشش در ملا عام و در مرعی و منظر عموم نمی‌تواند یک امر خصوصی باشد. گیوسون^۱ (۱۹۸۰) نیز مفهوم و محدوده حریم خصوصی را با سه مولفه: محرمانه بودن^۲، خلوت و تنهایی^۳، گمنامی یا بی‌نامی^۴ توضیح می‌دهد و معتقد است که زمانی که اشخاص در کانون توجه دیگران قرار می‌گیرند، حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند. جوزف^۵ و همکاران (۲۰۰۰) نیز معتقدند که حوزه خصوصی و خودمختاری شخص، در جایی است که شخص در آن می‌تواند با "دوری گزیدن از دیگران" مطابق امیال و توقعات خود به حیات خویش شکل بدهد. بر اساس مطالب مذکور، خصوصی بودن مربوط به امری است که در مکان عمومی انجام نشود و فرد با دوری گزیدن از دیگران، در خلوت و تنهایی به آن مبادرت ورزد. بنابراین، نحوه پوشش در مکان‌های عمومی یا حریم عمومی، امری عمومی است؛ نه خصوصی.

از سوی دیگر، از آنجایی که پوشش را "فرد" به تن می‌کند نمی‌توان پذیرفت که حقی در آن نداشته باشد. به عبارت دیگر، اگرچه چارچوب‌های کلان پوشش را هنجارها، دین و قانون مشخص می‌کنند، اما سلايق موجود در درون چارچوب‌های کلان، قطعا و كاملا به افراد ارتباط پیدا می‌کنند (مرندی، ۱۳۸۸: ۲۱۸). البته این دیدگاه مورد نقد برخی از صاحب نظران واقع شده و گفته شده که ملاک مورد اشاره در تقسیم بندی موضوعات و قرار دادن آنها در حوزه عمومی یا خصوصی قابل خدشه است. در تقسیم بندی موضوعات به خصوصی و عمومی، ملاک تقسیم، عبارت است از حیطه تاثیرات فردی و خصوصی یک پدیده یا تاثیرات جمعی و عمومی آن. یعنی هنگامی که یک موضوع دارای تاثیرات جمعی و عمومی است، از آن به موضوع عمومی تعبیر می‌شود؛ اگرچه دارای تاثیرات فردی هم باشد. این امری طبیعی است که تقریباً موضوعی اجتماعی و عمومی را نمی‌توان نام برد که در درجه اول دارای بعد فردی و خصوصی نباشد؛ اما

¹ Gavison

² Secrecy

³ Solitude

⁴ Anonymity

⁵ Joseph

این تاثیر فردی، موضوع را فردی نمی‌کند و وجود تاثیرات اجتماعی جهت عمومی شدن موضوع کافی است. در بحث پوشش نیز اگرچه بحث از سلیقه فرد در انتخاب رنگ و نوع پوشش، امری بدیهی و پذیرفته شده است، اما موضوع اصلی در باب پوشش، همان محدوده و چارچوب اصلی است که با توجه به تاثیرات اجتماعی و عمومی پوشش در اختیار حکومت قرار دارد و باعث شده که پوشش دارای جنبه عمومی گردد (غلامی، ۱۳۹۲).

در پاسخ باید عرض کرد که صحبت ما از حریم‌ها فقط از جهت حیطه تأثیرگذاری آنها نیست؛ بلکه حیطه سریان و جریان حق فرد یا جامعه در آنها نیز می‌باشد؛ لذا این که امری همچون پوشش را جزء حریم دوگانه می‌دانیم، در واقع بدین معنی است که از یک سو، افراد در حریم خصوصی شان مجاز هستند و حق دارند که هر گونه که مایل بودند پوشش داشته باشند و دولت- اعم از اسلامی و غیر اسلامی- حق ورود به آن حریم را ندارد؛ اما از سوی دیگر، همین که مسأله به حریم عمومی کشیده شود، این حق خصوصی، تحت الشعاع حریم و حق عمومی جامعه قرار می‌گیرد. در این شرایط، خواست و سلیق افراد فقط در قالب و در درون قوانین و هنجارهای عمومی به رسمیت شناخته می‌شوند. علاوه بر این که اگر پوشش را صرفاً امری مختص به حریم عمومی بدانیم، این مقوله تابع صرف قانون گذاری دولت‌ها می‌شود و اگر دولتی نوعی از پوشش افراد، همانند حجاب اسلامی را ممنوع کرد، دیگر پاسخی برای مخالفت با این اقدام نخواهیم داشت. در حالی که اگر پوشش افراد را جزء حریم دوگانه بدانیم، از یک طرف، افراد باید حقوق و هنجارهای عمومی را در پوشش خود رعایت کنند، و از طرف دیگر، دولت‌ها نیز ملزم می‌شوند که اصول سنتی یا دینی افراد را در پوشش‌شان، اگر مخالف هنجارها و حقوق دیگران نباشد، به رسمیت بشناسند.

شواهدی بر عمومی تلقی شدن مقوله پوشش در مکان‌های عمومی در دیگر کشورها

ضوابط پوشش^۱، مجموعه‌ای از قوانین است که شیوه لازم برای لباس پوشیدن را نشان می‌دهد (Pauly, 2008). کدهای لباس علاوه بر تعیین آنچه باید پوشیده شود، تعیین می‌کنند که چه چیزی نباید پوشیده شود.

ضوابط پوشش در هر کشوری با نظم سیاسی-اقتصادی آن کشور هماهنگ و یکپارچه است. تقریباً هر فرهنگ و کشوری در طول تاریخ، به طور رسمی یا غیر رسمی، سخت‌گیری‌هایی در مورد پوشیدن و نپوشیدن داشته‌اند. ضوابط پوشش، لباس‌های فردگرایانه را که می‌تواند از اهداف مشترک جامعه منحرف شود، حذف می‌کند (دایره المعارف بریتانیکا). برخی از این گونه موارد در کشورهای گوناگون عبارتند از:

¹Dress Code

در ۱۸۹۰ در بریتانیا، تصویب شد که زنان باید تمام بدن خود را در مکان های عمومی بپوشانند، از جمله اینکه یقه باید درست تا زیر چانه و لبه های پاچه تا زیر مچ پا بیاید. در یونان پوشیدن کفش پاشنه دار در مکان های باستانی یونان ممنوع است (worldatlas). در ایتالیا، پوشیدن کفش های پاشنه دار در برخی نقاط ممنوع است. همچنین، هنگام رفتن به کلیساها یا معابد مشهور کشور، باید شانه ها و زانوها را نیز پوشاند (اطلس جهان). بنابراین، اگر افراد تاپ بدون آستین بر تن داشته باشند، برای رفتن به آن مکان ها لازم است که یک ژاکت یا شال با خود همراه داشته باشند. همچنین نباید شلوارک کوتاه یا دامن کوتاه بپوشند (columbusdirect).

در اوگاندا، پوشیدن «لباس ناشایست» (یعنی پوشیدن هر چیزی که بالای زانو را در ملاء عام نمایان کند) خلاف قانون محسوب می شود و مجازات در پی دارد. جمعیت زن باید هر روز طوری لباس بپوشند که گویی به معبد می روند، یعنی دامن بلند، شلوار یا لباس بپوشند (world atlas).

در هند، باید شانه ها و زانوهای افراد پوشانده شوند. هر لباسی که آن نواحی را بپوشاند قابل قبول است. معمولاً لازم نیست سر خود را بپوشانید، اما احتمالاً بهتر است قبل از ورود به هر ساختمان مذهبی این کار را انجام دهید (columbusdirect).

در تیمونسویل - یکی از شهرهای کارولینای جنوبی - پوشیدن شلوار آویزان که منجر به دیده شدن لباس زیر افراد می شود، ممنوع است و جریمه در پی دارد (upnorthlive.com). پوشیدن لباس های زرد رنگ در سال ۲۰۱۱ در مالزی ممنوع شد. این ممنوعیت از سوی دولت پس از آن صورت گرفت که گروهی از معترضان به قوانین انتخابات از رنگ زرد به عنوان نماد اعتراضی خود استفاده کرده بودند (travelbiz.ie).

در ملبورن استرالیا، پوشیدن هرگونه لباس به سبک زنانه برای مردان ممنوع است. در کانادا نیز مطابق ماده ۱۷۳ قانون کشوری، هرگونه پوشش خلاف عفت عمومی ممنوع شده است.

در ژاپن خالکوبی در اکثر چشمه های آب گرم، استخرهای شنا، پارک های آبی و سواحل ممنوع است. هم چنین، هنگام بازدید از مکان های سنتی مانند معابد نیز بهتر است خالکوبی را به هر نحو ممکن پوشانند (japanandmore.com).

در کارپری ایتالیا، پوشیدن صندل لا انگشتی ممنوع است (travelbiz.ie). در موزه های واتیکان قوانین خاصی برای پوشش وجود دارد. پوشیدن شلوار جین پاره و تی شرت و لباس های نازک ممنوع است. برای مردان، پوشیدن پیراهن توصیه می شود. پوشیدن تی شرت هم به شرطی که حاوی تصاویر و شعارهای توهین آمیز نباشد، امکان پذیر است. شلوار مردان حداقل باید تا زانو باشد. پوشیدن کلاه در داخل موزه ها ممنوع است. درمورد زنان نیز،

حضور زنان با لباس بدون آستین ممنوع است. شلوار یا دامن نیز باید تا زانو را بپوشاند. پوشیدن بالاپوشی که شکم را باز می‌گذارد نیز، مطلقاً ممنوع است (thevaticantickets). وجود ضوابط پوشش در جوامع گوناگون، دال بر این است که در همه جای جهان قوانینی برای نحوه لباس پوشیدن اعضای جامعه جود دارد و مانند سایر قوانین جامعه، دولت‌ها به طور جدی بر اجرای این قوانین نظارت و مراقبت دارند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این پژوهش، تعلق پوشش افراد به حریم خصوصی یا عمومی و به تبع آن، ضرورت یا عدم ضرورت مداخله دولت‌ها در قالب قانون‌گذاری در این مساله مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا مشخص شد که حریم خصوصی در نگاه فردگرایانه و لذت‌گرایانه غربی وسعت زیادی می‌یابد؛ به گونه‌ای که گاهی ممکن است پدیده‌ای در جامعه غربی جزو حریم خصوصی محسوب شود؛ در حالی که در نظام حقوقی اسلامی، همان پدیده، جزء حریم عمومی تلقی شود. در گام دوم، تعلق پوشش به حریم خصوصی یا عمومی مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که با توجه به این که "خصوصی بودن" در ادبیات حقوقی مربوط به امری است که در مکان عمومی انجام نشود و فرد با دوری‌گزیدن از دیگران، در خلوت و تنهایی به آن مبادرت ورزد، بنابراین، نحوه پوشش در مکان‌های عمومی (یا حریم عمومی)، یک امر خصوصی نیست. در نگاه دقیق‌تر می‌توان گفت که پوشش حیثیت‌دوگانه‌ای دارد؛ به این معنی که در حوزه و حریم خصوصی، خصوصی و در حوزه و حریم عمومی، عمومی است. بنابراین، الزام به رعایت پوشش در حریم عمومی، نقض حقوق بشر یعنی حق آزادی فردی نیست؛ چرا که در حریم عمومی، اساساً آنچه موضوعیت دارد، حق جامعه است؛ نه حق فرد. از سوی دیگر، افراد در حریم خصوصی شان مجاز هستند و حق دارند که هر گونه که مایل بودند، پوشش داشته باشند و دولت اسلامی حق دخالت در آن را ندارد؛ اما در حریم عمومی، خواست و سلیقه افراد فقط در محدوده قوانین و هنجارهای عمومی به رسمیت شناخته می‌شود.

علاوه بر این که اگر پوشش را صرفاً امری مختص به حریم عمومی بدانیم، این مقوله تابع صرف قانون‌گذاری دولت‌ها می‌شود و اگر دولتی نوعی از پوشش افراد همانند حجاب اسلامی را ممنوع کرد، دیگر پاسخی برای مخالفت با این اقدام وجود نخواهد داشت. در حالی که اگر پوشش افراد را جزء حریم دوگانه بدانیم، از یک طرف افراد باید حقوق و هنجارهای عمومی را در پوشش خود رعایت کنند و از طرف دیگر، دولت‌ها نیز ملتزم می‌شوند تا در قوانین پوشش افراد، اعتقادات، اصول سنتی و دینی آنان را به شرط آن که مخالف با هنجارها و حقوق دیگران نباشد، به رسمیت بشناسند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
عهد عتیق.
- آریابلاستر، آنتونی (۱۳۸۶). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخیر. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.
- آقایی، بهمن (۱۳۸۷). فرهنگ حقوقی بهمن، انگلیسی-فارسی. تهران: کتاب خانه گنج دانش.
- ابن حزم اندلسی، ابی محمد علی بن احمد (۱۳۵۲ق). الفصل فی الملل و الالهوا و النحل. جلد دهم. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اسکندری، مصطفی (۱۳۹۰). حکومت اسلامی و حریم خصوصی. قم: پژوهشگاه اندیشه سیاسی اسلام.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۹۸۶ م). الفقه علی المذاهب الاربعه. الطبعه السابعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- الزحلی، وهبه (۱۴۰۴ ق). الفقه الاسلامی ادلته. دمشق: دارالفکر.
- اولادی، شعبان؛ جهانبخش، اسماعیل؛ محمدی، اصغر (۱۳۹۸). بررسی اثرات و پیامدهای پدیده بدحجابی و تبرج بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: زنان و دختران بالای ۱۵ سال شهر تهران). مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۷، بهار ۱۴۱: ۹۸-۱۰۳.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۷). نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب؛ حجاب مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۸). تاریخ اندیشه های سیاسی قرن بیستم؛ لیبرالیسم و محافظه کاری. تهران: نی.
- بوردو، ژرژ (۱۳۷۸). لیبرالیسم. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: نشر نی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). حق و تکلیف. حکومت اسلامی، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲: ۷۲-۳۰.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۸۴). حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام. چاپ اول. قم: دفتر نشر معارف.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۹۸۷ م). الصحاح. چاپ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین.
- چولکی، غلامرضا (۱۳۹۲). نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان در جامعه از نظر اسلام. مطالعات و اطلاعات امنیت انتظامی، ۲ (۴): ۱۳۳-۱۰۶.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. زیر نظر: محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفکر.

زهروی، رضا (۱۳۹۹). مرز اخلاق و حقوق؛ نقدی بر نظریه "نفی ورود حقوق به گستره حجاب". پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۲۰ (۱۱): ۳۰۱-۲۷۷.

سیستانی، علی (بی تا). استفتاءات. اصفهان: ناشر دیجیتال: علیرضا نیشابوری. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه. قم: دارالهادی للمطبوعات.

ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۳). پوشاک باستانی ایرانیان از کهن ترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانی. تهران: انتشارات هنرهای زیبای کشور.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۳۹). اسلام و حریت. درس هایی از مکتب اسلام، ۲ (۴): ۷-۱۰.

طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۳۹۹ق). ملحقات العروه الوثقی. جلد دوم. تهران: بیجا. طریحی، فخر الدین (۱۴۱۴ق). مجمع البحرین. نسق و تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه. تهران: مؤسسه بعثت.

فاضلیان، پوران دخت (۱۳۸۹). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران. پژوهش نامه زنان، ۱ (۲): ۸۶-۶۵.

فتحی، یونس؛ شاهرادی، خیراله (۱۳۹۶). گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی. مجله حقوقی دادگستری، ۸۱ (۹۹): ۲۲۹-۲۵۲.

فتحی، امین؛ نامور، جعفر (۱۳۹۶). مطالعه و تبیین وضعیت کنونی، روند تمایلات و گرایش های رفتاری دانشجویان دختر به حجاب اسلامی. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۷ (۱): ۹۳-۱۰۸.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). العین. تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. تصحیح اسعد الطیب. انتشارات اسوه.

عزیزی، رضا؛ فخرایی، سیروس، ظروفی، مجید (۱۳۹۱). عوامل مرتبط با حجاب گریزی در میان دختران و زنان ۱۵ تا ۳۰ سال شهر بوکان. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

غلامی، علی (۱۳۹۲). حجاب در کشاکش حریم خصوصی و حقوق عمومی. مطالعات حقوقی دولت اسلامی، ۲ (۴): ۱۳۴-۱۱۱.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی. تهران: دادگستر.

- کدیور، محسن (۱۳۸۷). حق الناس، اسلام و حقوق بشر. تهران: کویر.
- کدیور، محسن (۱۳۸۲). پیش درآمدی بر بحث عمومی و خصوصی در فرهنگ اسلامی. بازتاب ادیشه در مطبوعات و اینترنت، شماره ۴۶: ۷۳-۶۷.
- کوهن، کارل (۱۳۷۳). دموکراسی. ترجمه فیروز مجیدی. تهران: خوارزمی.
- لاک، جان (۱۳۸۷). رساله ای در باب حکومت. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نی.
- متوادی، حامد (۱۳۹۷). مفهوم شناسی حریم خصوصی انسان در قرآن و حدیث. دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، ۱(۲): ۲۳-۹.
- مجیدی، علی اکبر؛ میرمحمدتبار، سید محمد؛ بنیاد، لیلی (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت اجتماعی زنان. مطالعات امنیت روان شناختی زنان، ۱۴(۴): ۱۵۶-۱۲۳.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰). مجموعه گفتگوهای هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان اولویت ها و رویکردها. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- مrandی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). ضرورت حجاب و عدم منافات آن با اصول دموکراتیک. مجموعه مقالات گفتارهایی در باب حجاب. به اهتمام محمدجواد جاوید. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). انسان سازی در قرآن. قم: موسسه امام خمینی (ره).
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی شش جلدی. تهران: سپهر.
- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). استفتائات جدید. جلد دوم. قم: سلیمانزاده.
- مهدوی زادگان، داوود (۱۳۸۶). پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۹(۳۶): ۵۰-۹.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۱). رساله توضیح المسائل. تهران: انتشارات سرایی.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی تاثیر حجاب در حفظ بهداشت روانی جامعه. پژوهش نامه سبک زندگی، ۱(۲): ۱۱۵-۸۷.
- نیسبام، هلن (۱۳۸۱). حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات. پژوهش های حقوقی، ۱(۲): ۲۰۱-۱۷۱.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹ ش). سیاست. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.
- هاشمی، سید حسین (۱۳۸۶). نقدی بر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در جرم انگاری بدحجابی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۰(۳۷): ۱۶۰-۱۳۳.

Chau, R. (2009). Liberalism: A Political Philosophy. 26 November 2009. <https://www.mannkal.org/downloads/scholars/liberalism.pdf>.

Donnelly, J. (2013). Universal Human Rights in Theory and Practice.

3rd ed. New York: Cornell University Press.

Gavison, R. (1980). Privacy and the limits of law. *The Yale Law Journal*, 89(3) (Jan., 1980): 421-471.

Joseph, S.; Schuitz, J.; Casten M. (2000). *The International Convention on civil and political Rights*. Oxford University Press.

Kamla, R. (2012). Syrian women accountants' attitudes and experiences at work in the context of globalization. *Accounting, Organizations and Society*, 37 (3), 188-205.

Parent, W. A. (1983). Privacy, Morality and the Law. *Philosophy and Public Affairs*, 12 (4): 269-288.

Rodee, C. C. T.; Anderson, T. J., Christol, K. (1957). *Introduction to Political Science*. New York: McGraw-Hill.

Swami, V.; Miah, j.; Noorani, N.; Taylor, D. (2014). Is the hijab protective? An investigation of body image and related constructs among British Muslim women. *British Journal of Psychology*, 105(3): 352-363.

Mill, J. S. (1981). *On Liberty*. Edited with an introduction by: E. Rapaport. Third printing. Indianapolis: Hackett Publishing Company.

<https://www.encyclopedia.com/fashion/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/dress-codes> <https://theluxauthority.com>

<https://www.britannica.com/story/pro-and-con-dress-codes>

<https://www.worldatlas.com/society/countries-with-the-strictest-dress-codes.html>

<https://www.columbusdirect.com/content/dress-etiquette-around-the-world/>

Pauly, David. (2008). Dress code.

<http://www.answers.com/Dress%20code>.

<https://travelbiz.ie/passengers-urged-to-leave-flip-flops-at-home-if-they-want-to-avoid-hefty-fine/>

<https://upnorthlive.com/news/local/tiny-south-carolina-town-bans-sagging-pants-threatens-fines-07-07-2016-115957742>

<https://japanandmore.com/tattoos-not-allowed-in-japan/>

<https://www.thevaticantickets.com/vatican-dress-code/>